



## بررسی تطبیقی شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه و بانک جهانی

محمد رضا احمدی بنی<sup>۱</sup>، سید حسن ملائکه<sup>۲</sup>، اکبر قربانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

### چکیده:

در این مقاله شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه و شاخص‌های اعلامی بانک جهانی به صورت تطبیقی بررسی می‌گردد. روش پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا از نوع تحلیل مضمونی است. ابزار گردآوری داده‌ها مطالعه اسناد و کتابخانه‌ای است. در این پژوهش استدلال می‌شود مفهوم و شاخص‌های حکمرانی شایسته (فانون‌گرایی، مبارزه با فساد، پاسخگویی، شفافیت، کارایی و اثربخشی) ارائه شده در نهج‌البلاغه تفاوت خاصی با شاخص‌های مورد نظر بانک جهانی یا سایر ارگان‌های بین‌المللی یا صاحب‌نظران ندارد. هیچ‌گاه واژه حکمرانی در مقابل مفهوم دموکراسی یا رویه‌های دموکراتیک مطرح نگردیده بلکه به شیوه و روش حکومت‌داری و تأمین منافع عمومی توسط مسئولان سیاسی یک کشور ارتباط داشته است تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران مقوله حکمرانی، دموکراسی را نیز برای رسیدن به حکمرانی خوب لازم و کافی برنشموده و به جای آن تفکر توسعه‌خواه نخبگان فکری و ایزاری کشور را ضروری انگاشته‌اند. نتیجه آن که به جرات می‌توان گفت که امام(ع) در این عهدنامه قطعاً فراتر از احکام و مؤلفه‌هایی که برای حکمرانی خوب لازم است، را تبیین نموده‌اند لذا تمامی شاخص‌های دقیق حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین (ع) قابل ردیابی و تطبیق با نظریات مدرن حکمرانی خوب به ویژه شاخص‌های دقیقی که بانک جهانی ارائه کرده است، می‌باشد.

**واژگان اصلی:** امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، حکمرانی خوب، تحلیل مضمون، بانک جهانی

۱ گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)

hmalackeh@iaua.ac.ir

۳ گروه فلسفه دین، واحد اردستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اردستان، ایران

## مقدمه

حکمرانی خوب در ادبیات توسعه معاصر، به‌ویژه در تعریف بانک جهانی، به‌عنوان مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادهایی معرفی می‌شود که مسئول اعمال اقتدار مشروع در یک کشورند. در این تعریف، فارغ از شکل حکومت یا ایدئولوژی حاکم، شاخص‌هایی چون پاسخ‌گویی، شفافیت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد به‌عنوان معیارهای اصلی مطرح شده‌اند. این شاخص‌ها بر کارکردهای عینی حکومت تمرکز دارند و هدف آن‌ها ارتقای رفاه عمومی و تضمین توسعه پایدار است.

چنین پژوهشی از آن رو حائز اهمیت است که مقایسه تطبیقی میان نهج‌البلاغه و شاخص‌های بانک جهانی، امکان ارائه‌الگویی تلفیقی از حکمرانی را فراهم می‌آورد؛ الگویی که هم به نیازهای توسعه معاصر پاسخ می‌دهد و هم ریشه در سنت اسلامی دارد. این امر می‌تواند در سیاست‌گذاری کشورهای اسلامی الهام‌بخش باشد و نشان دهد که حکمرانی خوب نه صرفاً مفهومی مدرن، بلکه دارای پشتوانه‌ای تاریخی و دینی است. هدف در واقع، استخراج مضامین حکمرانی خوب از نهج‌البلاغه، مقایسه آن‌ها با شاخص‌های بانک جهانی، تحلیل نقاط همپوشانی و ارائه‌الگویی مرکب از تجربه دینی و معیارهای جهانی است.

در نهج‌البلاغه نیز، حکومت به‌مثابه مسئولیتی الهی و اجتماعی معرفی می‌شود که غایت آن تحقق عدالت، رفع ظلم و تأمین نیازهای مردم است. امام علی(ع) در خطبه‌ها و نامه‌های خود، به‌ویژه در نامه ۵۳ به مالک اشتر، بر نظارت دقیق بر کارگزاران، پاسخ‌گویی، عدالت توزیعی، کارآمدی اقتصادی و شایسته‌سالاری تأکید دارند. این مضامین که بر بنیادی الهی و اخلاقی بیان شده‌اند، با شاخص‌های امروزی بانک جهانی هم‌پوشانی قابل توجهی دارند. نمونه آن که تأکید امام بر نظارت و حسابرسی کارگزاران با شاخص پاسخ‌گویی، توجه به عدالت اقتصادی با

اثربخشی دولت، و توصیه به برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای مردم با کیفیت قوانین و مقررات متناظر است. با توجه به مباحث فوق، پرسش بنیادین جستار حاضر چنین است که آیا با وجود تفاوت در مبانی مشروعیتی، همسانی‌های قابل توجهی میان شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه مدرن و آموزه‌های علوی قابل شناسایی هست؟ فرض بنیادین پژوهش آن است که بسیاری از اصول حکمرانی خوب، قرن‌ها پیش در سیره امام علی(ع) به صورت عملی اجرا شده می‌تواند الگویی برای بازخوانی شاخص‌های جهانی در چارچوبی بومی و ارزشی ارزیابی شده راه تعامل جامعه اسلامی را با جهان مدرن هموار سازد.

#### ۱. پیشینه پژوهش

در مقاله‌ای از حلیمی جلودار، علویان و نیک‌جوان (۱۴۰۱) با عنوان «مطالعه تطبیقی حکمرانی خوب از منظر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه و آرای اسکایی»، نتیجه گرفته می‌شود که حکمرانی خوب در نهادهای بین‌المللی بر محور انسان استوار است، در حالی که در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه محوریت با خداوند است که ابعاد زندگی انسان را کامل‌تر در نظر می‌گیرد. تفاوت اساسی در مبانی قانون‌گذاری است؛ امام علی(ع) قانون را منحصر به خدا یا نمایندگان او می‌داند، در حالی که در اسکایی قانون‌گذار مردم هستند. پژوهش حاضر اما تأکید دارد که مفهوم مردم در منطق اسلامی (امت) و مدرن (ملت) همسان است و تفاوت اصلی در هدف حکمرانی است؛ در اسلام تعالی دینی و معنوی و در منطق مدرن تثبیت دولت رفاه و اهداف سکولار.

نهالی و سیاهکالی مرادی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی شاخصه‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج‌البلاغه» به مقایسه شاخص‌های بانک جهانی و حکمرانی اسلامی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد بیشترین اختلاف در پاسخ‌گویی و مبارزه با فساد است، در حالی که در شفافیت و قانون‌گرایی اختلاف کمتر است. آنان شاخص‌های حکمرانی شایسته

مانند قانون‌گرایی، مبارزه با فساد، پاسخ‌گویی، شفافیت و کارایی را مشابه شاخص‌های جهانی می‌داند. پژوهش حاضر اما تأکید دارد که تفاوت در اهداف است: در اسلام تعالی معنوی و در سیاست مدرن تثبیت سرمایه‌داری، هرچند ابزارها مشابه‌اند.

کاظمی و منتظری (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی تطبیقی الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی(ع) با الگوهای رایج» بیان می‌کنند که به جای فهرست شاخص‌ها باید الگوهای کلان طراحی شود که متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی و مذهبی کشورها توسعه یابد. تفاوت پژوهش آنان با تحقیق حاضر در روش است؛ آنان از استراتژی داده‌بنیاد استفاده کرده‌اند، در حالی که پژوهش حاضر بر تحلیل مضمونی تکیه دارد.

حسینی تاش و واثق (۱۳۹۳) در مقاله‌ای در «اسلام و پژوهش‌های مدیریتی» معتقدند حکمرانی خوب و شاخص‌های آن مبتنی بر جهان‌بینی مادی است و در تاریخ عامل بحران‌های سیاسی و اجتماعی بوده است، لذا از اصطلاح «حکمرانی شایسته» استفاده کرده‌اند. پژوهش حاضر اما این دیدگاه را نمی‌پذیرد و تأکید دارد که حکمرانی خوب محصول نهادهای تحت سلطه قدرت‌های خارجی نیست و نمی‌توان آن را صرفاً ابزار استعمار دانست؛ زیرا چنین تقلیل‌گرایی تجربه‌های متنوع کشورها و بحران‌های داخلی را نادیده می‌گیرد.

ترابی کلاته قاضی (۱۴۰۰) در مقاله «واکاوی نقش‌های مردم در حکمرانی از دیدگاه امام علی(ع)» به نقش مردم در حکمرانی اسلامی پرداخته و مدلی از این نقش‌ها ارائه کرده است. او بیان می‌کند که دموکراسی در کشورهای مدرن با چالش‌هایی روبه‌روست و نظریه‌پردازان برای حل آن مفهوم حکمرانی را مطرح کرده‌اند. در این مقاله، روش تحلیل محتوا به کار رفته و هدف بررسی نقش‌های مردم در حکمرانی اسلامی و ارتباط آن‌هاست.

در مجموع، مرور پژوهش‌های فوق حاکیست تفاوت اصلی میان حکمرانی خوب در اندیشه

اسلامی و مدرن نه در ابزارها بلکه در اهداف است؛ در اسلام تعالی معنوی و در مدرنیته اهداف سکولار و رفاهی. همچنین، روش‌های مختلف پژوهشی از تحلیل محتوا تا داده‌بنیاد و تحلیل مضمونی، هر یک تلاش کرده‌اند ابعاد این مفهوم چندوجهی را روشن سازند.

با این حال، به نظر می‌رسد نویسنده فوق از مفروضات صحیحی پیروی نکرده زیرا مشخصاً می‌توان گفت که هیچ‌گاه واژه حکمرانی در مقابل مفهوم دموکراسی یا رویه‌های دموکراتیک مطرح نگردیده بلکه به شیوه و روش حکومت‌داری و تامین منافع عمومی توسط مسئولان سیاسی یک کشور ارتباط داشته است تا جایی که همچنان که خواهیم دید بسیاری از صاحب‌نظرات مقوله حکمرانی، دموکراسی را نیز برای رسیدن به حکمرانی خوب لازم و کافی بر شمرده و به جای آن تفکر توسعه‌خواه نخبگان فکری و ابزاری کشور را ضروری انگاشته‌اند.

اما باید گفت اولاً هیچ‌گاه در متون علمی معتبر حکمرانی در مقابل مردم‌سالاری قرار نگرفته و ثانیاً در واقع مردم‌سالاری یا دموکراسی در هیچ متن یا سند تاریخی یا نزد نظریه‌پردازان بزرگ اندیشه سیاسی به دینی و غیر دینی تقسیم نشده و اصولاً دینی یا غیر دینی بودن شکل حکومت به روش و محتوای حکمرانی نمی‌تواند ارتباط داشته باشد. به عبارت دیگر، این محتوا، رویه‌ها و روش‌های حکومت است که ممکن است آن را در زمره دینی یا غیر دینی بودن قرار دهد و رای‌گیری تنها ظاهری برای دموکراسی و ارزش دادن به نظر مردم در حکومت است.

به عنوان آخرین پژوهش از این دسته باید از پژوهش درخشه، جلال؛ شجاعی، جبار؛ در مقاله «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی (ع)؛ یاد کنیم که شش عامل رابری تحقق «حکمرانی خوب» لازم دانسته‌اند که عبارت‌اند از: قانون‌گرایی، شفافیت، مسئولیت و پاسخ‌گویی، کرامت و تریخشی، مشارکت‌طلبی، عدالت‌محوری، فلسفتیزی و رفیق و مللار در همین راستا در پژوهش حاضر می‌کوشیم تا با کوش در سیره عملی و نظری امام علی (ع) شاخص‌های حکمرانی خوب را با روش توصیفی-تحلیلی استخراج کنیم و مورد بررسی و سنجش قرار دهیم.

پژوهش فوق نزدیک ترین پژوهش به جستار حاضر در رابطه با رویکرد تطبیقی به حکمرانی خوب در اندیشه اسلامی و سکولار است لیکن از لحاظ شاخص‌های حکمرانی خوب و مفروضات متفاوت همچنین روش تحقیق متفاوت با پژوهش حاضر متفاوت است. زیرا مباحثی مانند مشارکت‌طلبی، رفق و مدارا و حتی عدالت‌محوری هر چند در پژوهش حاضر مورد واکاوی قرار گرفته‌اند ولی شاخص‌های مد نظر پژوهش حاضر با تحقیق بالا متفاوت می‌باشند.

## ۲. مبحث نظری: تعریف‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب

تعریف "حکمرانی" بین سازمان‌ها و در شرایط مختلف متغیر است. گراهام و همکاران حکمرانی را "فرایندی" تعریف می‌کنند که توسط آن "جوامع یا سازمان‌ها تصمیمات مهمی اخذ کرده و تعیین می‌کنند در این فرایند چه کسانی مشمول اجرای آن تصمیمات بوده و چگونه باید پاسخگویی اعمال خود باشند." (Graham et al ۱۲۰۰۳)، از دیدگاه کافمن و همکاران حکمرانی از یک سو "سنت‌ها و نهادهایی است که توسط آنها اقتدار در کشور اعمال می‌شود" و از سوی دیگر "فرایند انتخاب و جایگزینی حکومت‌ها، توان حکومت برای تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب و احترام گذاشتن به شهروندان و به کشور بخاطر نهادهایی است که تعاملات اقتصادی و اجتماعی کشورها را مدیریت می‌کنند." (Kaufmann et al, ۲۰۰۴: ۲۵۴).

البته "هیچ تعریف مورد توافقی از حکمرانی وجود ندارد که محور مناسبی برای سازماندهی ادبیات موجود فراهم کند. در این جال تنها این نکته قابل اشاره است که بسیاری مطالعات نشان می‌دهند که دموکراسی و حکمرانی موثر لزوماً از نظر مفهومی یا تجربی همپوشانی ندارند. همانطور که اشمیتز و کارل اشاره می‌کنند: "حکمرانی چالشی برای همه رژیم‌ها است، نه فقط رژیم‌های دموکراتیک" (Schmitter and Karl, ۱۹۹۱: ۸۵-۸۶). هولمرگ، روتشتاین و نصیری توسی (and Nasiritousi, Rothstein, Holmberg, ۲۰۰۹) بر اساس یک

سلسله شواهد به این نتیجه رسیدند که هیچ رابطه مستقیمی بین "ایجاد دموکراسی نماینده انتخاباتی و کیفیت حکومت در اعمال قدرت عمومی" وجود ندارد. طبعاً برای پرداختن به این سوالات، باید بر تمایز جنبه‌های حکمرانی خوب و تفکیک مفهومی آن‌ها از دموکراسی تمرکز نمود.

جدول ۱ نمونه‌هایی از سازمان‌های چندجانبه اصلی، از جمله سازمان ملل، بانک‌های توسعه چند جانبه، کمیسیون اروپا، صندوق بین‌المللی پول، و OECD را نشان می‌دهد. همه این سازمان‌ها از اصطلاح حکمرانی خوب به طور گسترده استفاده می‌کنند و ترویج آن را از اهداف اصلی خود بر شمرده‌اند. بانک اروپایی بازسازی و توسعه و IADB هر دو بر تعدادی از مسائل مرتبط با حکمرانی خوب (دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، توسعه سازمانی) تأکید می‌کنند، اما هیچ کدام تعریف خود را منوط به وجود چنین شرایطی نمی‌کنند. همان‌طور که تعاریف ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد، شباهت‌های آشکاری بین تعریف‌های کاربردی وجود دارد، اما تفاوت‌های عمده‌ای نیز به چشم می‌خورد:

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از تعریف‌های حکمرانی خوب طبق نظر سازمان‌های بین‌المللی

سازمان ملل متحد	
سازمان ملل متحد	"در جامعه بین‌المللی، حکمرانی تاحلی که نهادهای فرایندهای یک کشور شفاف باشند "خوب" و "دموکراتیک" تلقی می‌شود بزرگ‌ترین تهدیدات برای حکمرانی خوب، فساد، خشنونت و فقر هستند که همه موجبات تضعیف شفافیت، امنیت، مشارکت و آزادی‌های اساسی را فراهم می‌آورند"
	منبع: وب‌سایت سازمان ملل، مجله "حکمرانی"

<p>"حکمرانی خوب به سیستم‌های حاکمیتی اشاره دارد که توأماً پاسخگو، فراگیر و شفاف هستند همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باید پیوسته در جهت حکمرانی بهتر تلاش کند.</p> <p>حکمرانی خوب یا دموکراسی مستلزم مشارکت سیاسی معطل و فراگیر است. بهبود حکمرانی مضمّن شمول نظرات افراد بیشتر در تصمیماتی که زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد می‌باشد."</p> <p>منبع: یادداشت‌های هلن کلارک، مدیر برنامه توسعه سازمان ملل متحد در چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد کشورهای توسعه یافته در باب موضوع مهم حکمرانی خوب در کلیه سطوح استوول ۱۱ می ۲۰۱۱</p>	<p>برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)</p>
<p><b>بانک‌های چند جانبه توسعه</b></p>	
<p>"در نیم قرن گذشته به درک بهتری از آنچه به عملکرد موثر دولت‌ها و دستیابی به پیشرفت اقتصادی کمک می‌کند دست یافته‌ایم. در جامعه توسعه عبارتی کلیدی معطل آن داریم که آن را حکمرانی خوب می‌نامیم و در اصل ترکیبی از نهادهای شفاف و پاسخگو، مهارت‌ها و شایستگی‌های قوی و تمایل اساسی برای انجام کار درست است. این‌ها مولفه‌هایی هستند که دولت را قادر می‌سازند خطرات را بطور موثر به مردم ارائه دهد." بیل ولفوریتز، رئیس بانک جهانی، جاکارته ۱۱ آوریل ۲۰۰۶</p> <p>منبع: بانک جهانی، تفویض مشارکت گروه بانک جهانی در حکمیت و مبارزه با فساد ۲۱ مارس ۲۰۰۷، ص ۱</p> <p>بانک جهانی شش بُعد شاخص‌های کلی حکمرانی را با مطالعه بیش از ۲۰۰ اقتصاد در طول دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۳ ترکیب کرده است که عبارتند از: حق اظهار نظر و پاسخگو؛ ثبات سیاسی و علم خشونت‌تروریسم؛ آزر بخشی دولت؛ تقسیم مقررات و افزایش نظارت؛ حکمیت قانون و نظم؛ کنترل فساد.</p> <p>(Last accessed: ۴/۱/۲۰۲۴, www.worldbank.org)</p>	<p>بانک جهانی</p>
<p>گرچه جنبه‌های سیاسی برای توسعه حائز اهمیت هستند، برداشت بانک از حکمرانی خوب اساساً بر مولفه‌های مدیریت موثر متمرکز است. در این راستا، و براساس رویکرد بانک جهانی، بانک توسعه آسیا نیز چهار عنصر اساسی حکمرانی خوب را شناسایی کرده است: (۱) پاسخگو، (۲) مشارکت، (۳) پیش‌بینی‌پذیری، و (۴) شفافیت."</p> <p>منبع: ADB: حکمرانی: مدیریت اقتصادی سالم (آگوست ۱۹۹۵)، ص ۳، ۴، ۱.</p>	<p>بانک توسعه آسیا</p>

<p>بانک توسعه بین آمریکایی (IADB)</p>	<p>اصطلاح "حکمرانی خوب" در اسناد IADB کاربرد گسترده‌ای ندارد، اگرچه در اسناد آن چند امر برجسته شده است که معمولاً با حکمرانی خوب مرتبط هستند (پاسخگویی، شفافیت، دموکراسی، و توسعه سازمانی). منبع: IADB، بررسی اجمالی اثربخشی توسعه ۲۰۱۰ (۲۰۱۰)</p>
<p><b>سازمانها بین المللی چندجانبه دیگر</b></p>	
<p>کمیسیون اروپا</p>	<p>پنج اصل زیربنایی حکمرانی خوب و تغییرات پیشنهادی در این عبارت هستند از: باز بودن، مشارکت، پاسخگویی، اثربخشی و انسجام هر اصل برای ایجاد حکومت دموکراتیک حائز اهمیت است. این اصول زیربنایی دموکراسی و حاکمیت قانون در کشورهای عضو هستند اما در همه سطوح دولت-جهانی، اروپایی، ملی، منطقه‌ای و محلی قلیل‌گرایست هستند" منبع: EC، "حاکمیت اروپا: کاغذ سفید"، بروکسل، ۲۵ جولای ۲۰۰۱، ۱۶fn. در ۸p. - همان، ص. ۱۰</p>
<p>صندوق بین المللی پول</p>	<p>صندوق بین المللی پول در درجه اول نگران ثبات اقتصاد کلان، حیات خارجی و رشد اقتصادی رول‌مند کشورهای عضو است. سهمی که صندوق بین المللی پول می‌تواند در حکمرانی خوب (از جمله اجتناب از شیوه‌های فاسدکار طریق توصیه‌های سیاسی و کمک‌های فنی، عمدتاً در دو حوزه مطرح می‌شود: * بهبود مدیریت منابع عمومی * حمایت از توسعه و حفظ محیط شفاف و پایدار اقتصادی و نظارتی مساعد برای توسعه فعلی‌های بخش خصوصی کارآمد (مانند سیستم‌های قیمتی، مبادله تجارت و نظام‌های بانکی و مقررات مربوط به آن‌ها)." منبع: IMF، حکمرانی خوب: نقش IMF (اوت ۱۹۹۷)، ص. ۳، iv.</p>
<p>سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)</p>	<p>OECD در حکمرانی عمومی به طور خاص بر روی عنصر اصلی حکمرانی خوب تمرکز می‌کند، یعنی: پاسخگویی؛ شفافیت؛ کلیدی و اثربخشی؛ مسئولیت‌پذیری؛ چشم‌انداز پیش‌رو؛ دولت قدر بلند مشکلات و مسائل آینده را بایستاده‌ها و روندهای جاری پیش‌بینی و سیاست‌هایی تالیف کند که هزینه‌های آینده و تغییرات پیش‌بینی شده را لحاظ کند (برای مثال تغییرات جمعیتی، اقتصادی، زیست‌محیطی و غیره)؛ حاکمیت قانون؛ منبع: OECD، مدیریت حاکمیت عمومی و توسعه منطقه‌ای، "عنصر اصلی حاکمیت خوب".</p>

اما مبحث مهم دیگر این است که آیا دموکراسی برای حکمرانی خوب لازم یا ضروری است؟ بررسی این مبحث در این جا از آن جهت ضروری می‌نماید که برخی با این مدعا که شاخص‌های اعلان‌شده از سوی بیشینه مجامع جهانی مانند بانک‌های جهانی، سازمان ملل، و موسسات توسعه مانند OECD بر دموکراسی مشارکتی یا برخی ارزش‌های مشابه با ارزش‌های لیبرال تاکید دارند پس باید نتیجه گرفت که این شاخص‌ها دارای رویکرد ارزشی بوده و برای تحمیل نوعی ایدئولوژی غرب‌گرا به کشورهای در حال توسعه (که اکثراً گرفتار حکومت‌های خودکامه یا توتالیتار نیز هستند).

با این حال، بسیاری از نوشته‌ها نشان می‌دهند که دموکراسی و حکومت موثر لزوماً از نظر مفهومی یا تجربی همپوشانی ندارند. همانطور که اشمیتز و کارل اشاره می‌کنند: "حاکمیت چالشی برای همه رژیم‌ها است، نه فقط رژیم‌های دموکراتیک" (Schmitter, ۱۹۹۱: ۸۵-۸۶). هولمبرگ، روتشتاین و نصیری توسی (۲۰۰۹: ۱۳۸) در ارزیابی شواهد موجود دریافتند که واقعا هیچ رابطه مستقیمی بین "ایجاد دموکراسی نماینده انتخاباتی و کیفیت دولت در اعمال قدرت عمومی" وجود ندارد.

در مقابل جذابیت مدل‌های غیر غربی مانند چین که دارای نظام‌های اقتدارگرا هستند بیشتر شده است. ثبات سیاسی و رشد سریع اقتصادی که مدل چینی ارائه می‌کند بیانگر وجود راه سوم به سوی توسعه بوده است. به علاوه مطالعات متعددی نشان داده است که اولاً یا هیچ تفاوتی بین رژیم‌های تک‌حزبی و دموکراسی‌ها از نظر ترویج حاکمیت قانون یا حکومت موثر در جهان در حال توسعه وجود ندارد؛ و ثانیاً برخی از انواع رژیم‌های تک‌حزبی نیمه استبدادی در ترویج حاکمیت قانون و حکومت موثر بهتر از دیگر انواع رژیم‌های استبدادی بوده و و به همان اندازه دموکراسی کارآمد هستند.

به زعم بسیاری از نویسندگان، آنچه برای حکمرانی خوب و سعادت شهروندان مورد نیاز است لزوماً نه دولت دموکراتیک (اگر چه اگر چنین باشد بسیار مطلوب خواهد بود) بلکه یک دولت توسعه‌خواه است. در واقع منظور از دولت توسعه‌خواه دولتی است که نخبگان سیاسی و بوروکراتیک آن عزم توسعه‌ای واقعی و ظرفیت مستقلی برای تعریف، پی‌گیری و اجرای اهداف توسعه‌ای داشته باشند.

برای نمونه سنگاپور حکمرانی خوب بدون دموکراسی دارد. اما چگونه کشوری که در دسته بندی رژیم‌های حاکم، دموکراتیک محسوب نمی‌گردد چنان مدل حکمرانی خوبی ارائه کرده که بسیاری حسرت آن را می‌خورند؟ این طور است؟ می‌توان در پاسخ گفت که مدل حکومتی سنگاپور بر سه رکن استوار است که درجه‌ای از مشروعیت در رویه‌ها و نتایج حکمرانی را ارائه کرده که در میان غیر دموکراسی‌ها نادر است. نخست، رهبری سیاسی آن دارای سوگیری سیاسی میانه‌رویانه‌ای است که سنگاپور را از رژیم‌های استبدادی سرکوبگر جناح راست و چپ متمایز می‌کند. دوم اینکه، دولت فعالانه رویکرد مشورتی را در حکمرانی به کار گرفته که برخی آن را نوع غیرغربی از دموکراسی دانسته‌اند. سوم، اجرا و اعمال سیاستهای حکومت جدی‌تر از بسیاری از دموکراسی‌های غربی ارزیابی شده است. جایگزین بهتر احتمالاً رژیم نیمه استبدادی است که اجازه مخالفت سیاسی واقعی را نیز می‌دهد. برای نمونه، روسیه علی‌رغم تمام کاستی‌هایش به مثابه سیستمی سیاسی تحت رهبری پوتین، احتمالاً مدلی نزدیک‌تر به رژیم‌هایی است که در زمینه حاکمیت قانون و اثربخشی حکومت بهتر عمل کرده‌اند.

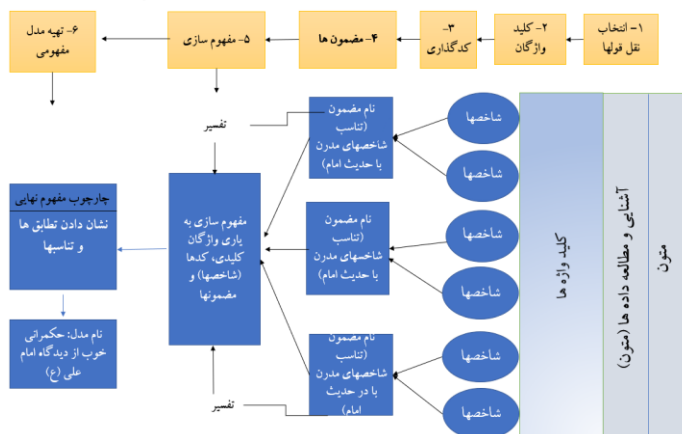
۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، روش تحلیل مضمونی به‌عنوان یکی از رایج‌ترین رویکردهای کیفی، ابزار اصلی برای استخراج و مقایسه مفاهیم بکار بسته می‌شود. در پژوهش «بررسی تطبیقی

شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه و بانک جهانی»، روش تحلیل مضمونی (Thematic Analysis) یا (TA) به‌عنوان رویکردی کیفی و انعطاف‌پذیر، ابزار اصلی برای استخراج و مقایسه مفاهیم محسوب می‌شود. این روش بر شناسایی و تفسیر الگوهای معنایی در داده‌های متنی تمرکز دارد و داده‌های پراکنده را به مضامین غنی و قابل تحلیل تبدیل می‌کند (Namey et al., ۲۰۰۷). در این مطالعه، ابتدا متون نهج‌البلاغه شامل خطبه‌ها و نامه‌ها بررسی شده و واژگان کلیدی مرتبط با عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و مبارزه با فساد شناسایی می‌شوند. سپس این واژگان در قالب کدگذاری دسته‌بندی شده و مضامین اصلی استخراج می‌گردند. در مرحله بعد، این مضامین با شاخص‌های حکمرانی خوب در چارچوب بانک جهانی —مانند پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، کنترل فساد و حاکمیت قانون— مقایسه می‌شوند.

فرایند تحلیل مضمونی در این پژوهش شامل مراحل اصلی چون کدگذاری، تشخیص مضمون، مفهوم‌سازی و مدل‌سازی مفهومی است (Leidner et al., ۲۰۱۸; Morse, ۲۰۱۶; Gupta & Awasthy, ۲۰۲۱). این مراحل به پژوهشگر امکان می‌دهند روابط میان مفاهیم را در قالب یک چارچوب تحلیلی روشن کرده و نقاط اشتراک و افتراق دو منبع را آشکار سازند. مزیت اصلی TA در این موضوع، توانایی آن در ایجاد گفت‌وگوی مفهومی میان سنت اسلامی و نظریه‌های مدرن حکمرانی است؛ بدین ترتیب، ظرفیت‌های نهج‌البلاغه در ارائه الگوی حکمرانی مطلوب در کنار شاخص‌های جهانی برجسته می‌شود.

شکل ۱۱. فرآیند تحلیل مضمونی نظام‌مند از شاخص‌های حکمرانی خوب در کلام امام علی (ع): فرآیند شش مرحله‌ای و تهیه مدل مفهومی کیفی



در نمودار زیر روند کاربست مراحل تحلیل مضمونی را به صورت بصری ملاحظه می‌شود که مراحل مختلف از شناسایی واژگان کلیدی در نهج البلاغه و شاخص‌های بانک جهانی، تا کدگذاری، استخراج مضامین، مفهوم‌سازی و در نهایت مدل‌سازی مفهومی را شامل می‌شود. لذا با ملاحظه ارتباط میان مراحل، چگونگی مقایسه داده‌های پراکنده به مضامین منسجم و سپس آوردن آنها در قالب چارچوب تطبیقی، برای درک بهتر ظرفیت‌های حکمرانی مطلوب در سنت اسلامی و شاخص‌های جهانی آشکارتر می‌گردند.

### شاخص‌های حکمرانی خوب در نهج البلاغه

#### حاکمیت نظم و قانون

چارچوب قانون هر چقدر هم قوی باشد، اگر کسی به آن پایبند نباشد و در جامعه اجرا نشود، ارزش چندانی نخواهد داشت. بدون حاکمیت قانون، زندگی بشر منسجم نبوده و ادامه آن دشوار خواهد بود. نقطه مقابل حکومت قانون، استبداد و یا خودکامگی است، خودکامگی دربرگیرنده مقاماتی است که خود را مقید به قوانین حقوقی از قبل تعیین شده نمی‌دانند و اختیارات خود را فراتر از قانون میدانند.

در خطبه ۱۴۶ امام (ع) حین دادن مشورت به عمر خلیفه اول به اهمیت وجود رهبر توانمند در انسجام و اتحاد جامعه اسلامی تاکید کرده و می‌فرماید: موقعیت زمامدار همچون ریسمانی

است که مهره‌ها را در نظام می‌کشد و آنها را جمع کرده ارتباط می‌بخشد: اگر ریسمان از هم بگسلد مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر کدام بجائی خواهد افتاد و سپس هرگز نتوان همه را جمع آوری نمود و از نو نظام بخشید.

امام علی (ع) زمانی زمام حکومت را به دست گرفت که دارالخلافه مدینه، مقوله نظارت را عملاً به دست فراموشی سپرده بود و تا زمانی که صدای پای انقلابیون مصر، کوفه، یمن و مدینه را از بام منزل خود نشنید، آشفته‌گی اوضاع و انفجار جامعه را باور نکرد و هنگامی طنین انقلاب مردم را حس کرد که دیگر دیر شده بود. آگاهی و احیانا نظارت او در این زمان نه تنها به حال جامعه که به حال خود او نیز سودی نداشت (ناصری، ۱۳۸۱: ۵۸). فَتَقَعْدَ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبَعَثَ الْعِيُونَ (نامه ۵۰ به کارگزاران مالیه)، همچنین خطبه ۱۵ (خطبه شقشقیه) که امام علی (ع) به آشفته‌گی اوضاع و بی‌توجهی خلفای پیشین به عدالت و نظارت اشاره می‌کند و آن را عامل بحران‌های اجتماعی می‌داند، یا «ثُمَّ أَنْظُرُ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمَلَهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً... ثُمَّ تَقَعْدُ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبَعَثَ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، عهدنامه مالک اشتر) نمونه‌هایی از فرازهای امیر المومنین (ع) در این رابطه هستند.

همه نصایح اخلاقی و تذکرات تربیتی امام نسبت به مردم و کارگزاران حکومت در این راستا است. حضرت برای این که عقل و حق طلبی و درست کاری را در انسان‌ها تقویت نماید، تا بر اثر آن به دور از چشم نظارت حکومتی و قاطبه امت دست به خطا و تخلف نزنند، موضوع تقوای الهی، ترس از فرجام تخلف و نافرمانی، نظارت همیشگی و دقیق الهی به امور و اهمیت حقوق مردم را طی خطبه‌ها، نامه‌ها و تذکرات متعدد یادآور می‌شوند (ناصری، ۱۳۸۱: ۵۸).

### ثبات سیاسی و عدم خشونت

اندیشه عدم خشونت‌ورزی اصولاً به معنای توانایی هر فرد یا هر جامعه برای تحمل عقایدی

است که با نظر آن فرد یا جامعه همخوانی ندارند. علاوه بر آن، ارج گذاری، تشویق و حتی سرمایه گذاری برای ابراز عقاید مخالف رانیز در این مفهوم گنجانیده‌اند (فولادی، ۱۳۸۷: ۵۶). اندیشه عدم خشونت از قدمت بسیاری برخوردار است حامیان این اندیشه را می‌توان در بین پیروان ادیان مختلف یا شخصیت‌های معنوی و اخلاقی جست و جو کرد. از دیرباز چنین شخصیت‌هایی بر عدم خشونت تأکید داشتند و آن را به کار می‌بردند (فیوضات و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

رسول اکرم (ص) در تبیین امر مدارای سیاسی فرماید: «انا امرنا معاشر الانبیاء بمداراة الناس كما امرنا بأداء الفرائض» ما جماعت پیامبران به مدارا با مردم امر شده‌ایم همان گونه که به واجبات امر شده‌ایم (مجلسی، بی تا، ج ۵۳: ۷۲). رسول خدا (ص) فرمود: «لَوْ كَانَ الرَّفِيقُ خُلْفًا يُرَى مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْهُ» اگر رفیق و نرمش به چشم دیده می‌شد، آفریده‌های از آن زیباتر و نیکوتر نبود (الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۰). امام باقر(ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفِيقَ، وَيُعْطِي عَلَى الرَّفِيقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعَنْفِ، وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ رِوَاهُ مُسْلِمٌ» خداوند رفیق است، و رفیق و مدارا را دوست دارد، و بر رفیق یزهایی را اعطا می‌کند که بر عتف اعطا نمی‌کند (المازندرانی ۱۳۸۲، ج ۸: ۳۲۷) یا «مَنْ أَحْجَمَ عَنِ الرَّأْيِ وَعَيْتَ بِهِ الْحَيْلُ كَانَ الرَّفِيقُ مُفْتَاَحَهُ» هر کس نتواند رأی خود را اظهار کند و راه چاره بر او بسته باشد، رفیق و مدارا وسیله گشایش اوست (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۱۷).

همچنین، در تفکر مولای متقیان علی (ع) بی‌ثباتی و خشونت سیاسی رابطه مستقیمی با بی‌عدالتی دارد، برای نمونه توصیه به والیان برای در نظر گرفتن فرهنگ و شرایط خاص هر منطقه و در این مورد فارس برای اخذ مالیات می‌توان اشاره کرد که در زمان خلفای پیشین بر حسب سال قمری نه خورشیدی اخذ می‌شد و به همین دلیل مردم مجبور بودند محصولات خود را به صورت پیش فروش به بهای نازلی فروخته و مال الخراج را بپردازند و همین، سبب

نارضایی شدیدی مردم می‌گردید. از این رو به زیاد بن ابیه حاکم جدید منصوب خود در فارس توصیه فرمود: اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَ احْذِرِ الْعُسْفَ وَالْحَيْفَ؛ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ (نهج البلاغه، خطبه ۴۷۶). عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد.

در این میان امام (ع) نسبت به رفتار به طبقه رانت‌خوار جامعه در روزگار تحولات داخلی و خطر بی‌ثبات سازی دولت در هنگامه اصلاح را از سوی آنان گوشزد کرده و می‌فرماید: «جامعه خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاری‌شان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی تر، و در خواسته هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم استقامت‌تر می‌باشند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳ ترجمه دشتی).

### اثر بخشی دولت

یکی از عام‌ترین و مهمترین پرسش‌های پیش روی فلسفه سیاسی، پرسش از ضرورت و علت نیاز به حکومت از دیدگاه جامعه است. در کلام مولای متقیان مساله ضرورت «عدالت توزیعی بر حسب نیاز اقشار» در این رابطه بسیار ویژه است به طوری که می‌توان گفت تبلور ذهنی و عینی اندیشه عدالت توزیعی بر اساس نیاز اقشار جامعه، قطعا در سیره علوی ریشه دارد.

در فرازهای مختلف حضرت حکومت را فی نفسه فاقد هر گونه ارزش تلقی کرده لیکن هدف از ایجاد قدرت سیاسی را (۱) تامین عدالت همگانی، (و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد، و نه فروماند، و عدالت را فراگیرتر بود و رعیت را دلپذیرتر، که ناخشنودی همگان خشنودی نزدیکان را بی‌اثر گرداند، و خشم نزدیکان خشنودی همگان را زیانی نرساند (نهج البلاغه، خطبه ۵۳) (۲).

یکی از اصول مهم اندیشه حضرت علی (ع)، لزوم استقرار حکومت برای انتظام امور مردم و سامان یافتن نظام اجتماعی است. زیرا برقراری امنیت داخلی، توازن اجتماعی و نظم، وصول بودجه عمومی، جلوگیری از هرج و مرج و دفع فساد، جنگیدن با دشمنان و متجاوزان، فعالیت دستگاه قضایی و اجرای احکام و مقررات قانونی، از اموری است که جز با تشکیل حکومت میسر نخواهد گشت (ثواب، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

عبدالله بن عباس در نامه ای به حسن بن علی پس از شهادت پدرش سیاست تقسیم مساوی فیء و دیگر بخششهای حکومتی را علت اصلی پراکندگی مردم از گرد علی (ع) و گرایش به معاویه بر می‌شمرد تا آنجا که عدم پذیرش اعطای امتیاز به سران و بزرگان قبایل از سوی علی (ع) آنها را در برابر رشوه‌های معاویه سست کرد (، ۱۳۵۷ ۳ ۴۶۰؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق ۸۲۶۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق ۱۰ / ۲۳۳ و ۲۳۴؛ مادلونگ، ۱۳۷۷: ۲۷۶ و ۲۷۷).

### نقد عمومی و پاسخ‌گویی در برابر مردم

نقد دیدن نیمه خالی و پر لیوان است و مبتنی بر معیارهای جمعی و عقل است و کمتر دچار اشکال می‌شود. نقد دیدن نقاط قوت و ضعف به طور همزمان است. نقد یک طرفه نیست و می‌خواهد مشکلی را حل کند. در انتقاد اهداف شخصی نیز وارد می‌شود که به خودی خود امر منفی و ناپسندی نیست زیرا انتقاد پیامی معطوف به معرفی جنبه‌های منفی و معایب پدیده‌ها، رویدادها، موضوعات، اندیشه‌ها، دستاوردها، اعمال و در مجموع تمامی مسائل اجتماعی و انسانی است. در واقع مطلب انتقادی مطلبی است که ویژگی اصلی آن جهت‌گیری منفی و واضح نسبت به یک عمل، اندیشه و رویداد باشد.

الإمامُ عليُّ عليه السلام: إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَضَلَّ بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةً مَأْخُودَةً وَأَحْيَا بِدَعْوَةٍ مَتْرُوكَةٍ « بدترین مردم نزد خداوند پیشوای ستمگری است که هم خود گمراه است

و هم سبب گمراهی است؛ زیرا سنت معمول را می‌میراند و بدعت متروک را زنده می‌کند» (خطبه ۱۶۵). روشن است که در صورت موقوف شدن نقد و نقدپذیری اصلاح چنین پیشوایان ستمگری ممکن نخواهد بود یا همان گونه حضرت خود به عمل دست یازید جز با عمل انقلابی نمی‌توان چنین زمامدارانی را به زیر کشید و کار امت را اصلاح کرد.

### کنترل فساد

فساد سیاسی معلول شرایطی در جامعه سیاسی است که در نتیجه آن قدرت سیاسی در راستای دستیابی به دستاوردهای شخصی و نیز حفظ منافع گروهی، هنجارهای عمومی را نقض کرده و به منافع عمومی آسیب می‌رساند (Kotkin & Sajó, ۲۰۰۲: ۵۷). فساد سیاسی نه تنها منجر به تخصیص نادرست منابع می‌شود، بلکه بر نحوه سیاست گذاری نیز تأثیر می‌گذارد.

امام علی (ع) در خطبه‌های متعددی از مساله ریشه‌کنی فساد به مثابه مهمترین دلیل پذیرش خلافت یاد کرده‌اند و از جمله فرمودند: «لو لا حضور الحاضر و قیام الحجج بوجود الناصر و ما أخذ الله علی العلماء الا یقاروا علی کظّه ظالم و لا سغب مظلوم...: اگر این بیعت کنندگان نبودند و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنتابند و به یاری گرسنگان بشتابند رشته این کار از دست می‌گذاشتم». در این خطبه امام (ع) در واقع امر الهی از یک سو و رشد آگاهی مردم و مطالبه‌گری ایشان را از سوی دو شرط لازم و کافی برای جهاد در راه مبارزه با فساد اعلام می‌نماید.

علی علیه السلام به محض در دست گرفتن زمام خلافت، بدون درنگ و هرگونه ملاحظه نسبت به سیاست تساهل و تسامح مسؤولان گذشته، حکم عزل تمام عمال خائن اموی - غیر از یک تن - را صادر نمودند. (یعقوبی، ۱۴۰۴ق: ج ۲: ۱۷۹). همین مساله در رابطه با مطالبه سمت و مسئولیت از سوی طلحه و زبیر و عدم پذیرش آن از سوی امام (ع) به دلیل تأکیدی که بر شایسته‌سالاری داشتند، صدق می‌کند (خطبه ۲۰۶؛ حکمت/۲۰۲)،

## تنظیم مقررات

از جمله مهمترین شاخص‌های حکمرانی خوب، تنظیم بهینه مقررات یا همان کیفیت خوب قوانین است. هر چه حاکمیت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها و کاربست تدابیر مختلف امکان توسعه فعالیت‌های مدنی و افزایش فرصت‌های اقتصادی در جامعه را بیشتر فراهم آورد طبعاً سطح بهینه‌تری از حکمرانی نیز روی خواهد داد. عادلانه بودن و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت اداره و اعمال نظم و امنیت در جامعه بوده و از اصول اساسی حکمرانی خوب به شمار می‌رود (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹). لیکن این سوال نیز مطرح است که در جامعه تحت حکمرانی معصوم (ع) تنظیم و اجرای مقررات به چه نحو باید باشد، به عبارت دیگر، آیا با توجه به عصمت امام (ع) آیا تمامی قوانین و مقررات از سوی ایشان به صورت یک‌طرفه به جامعه ابلاغ گردیده و کارگزاران و مقامات در سلسله مراتب پایین حاکمیت از یک سو و نخبگان فکری یا کارشناسان صرفاً وظیفه اجرای آن قوانین را دارند یا آن که باز هم به مکانیسم‌های از قبیل شورا و مشورت برای شناسایی نیازهای اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی نیاز خواهد بود.

امام علی (ع) در مجموعه برنامه خود که محورهای زیای داشت، سه اقدام اصلاحی و تقنینی جدید را از همان روز نخست اولویت خود قرار داد: بازگرداندن داریایی‌های به غارت رفته، اصلاح نظام تقسیم داریایی‌های عمومی و اصلاح نظام کارگزاری و مدیریتی. بالطبع برای انجام این امور نیاز به اجتهاد به معنای اجتهاد به معنای به کار بردن تمام تلاش و جستجو برای به دست آوردن حکم شرعی مستنبط از کتاب و سنت است.

مهمترین مسأله‌ای که هنگام آغاز زمامداری امیرالمومنین (ع) مطرح گردید، عدالت اجتماعی بود که قرآن مجید نیز از آن به قسط تعبیر کرده است؛ البته قسط مفهومی محدودتر از عدالت مطلق را در بر می‌گیرد چرا که عدالت در معنایی عام‌تر حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، مدیریتی، توزیعی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد لیکن قسط تنها ناظر به اجرای عدالت در بستر اجتماع است

و عمدتاً در حوزه اقتصاد ضرورت می‌یابد. به هر روی در همین حوزه‌های مدیریتی و اقتصادی است که نیاز به اجتهاد و به روز کردن اصول و مبانی قرآنی خودنمایی کرده و ضرورت مشورت نیز در همین راستا اهمیت می‌یابد:

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «راه درست و صواب به دست نیاید مگر با مشورت کردن» (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۷۶۹). یا در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: *أَلَلْجَاغَةُ تَسُدُّ الرَّأْيَ*. لجاجت و خودکامگی، سدی در برابر عقل سلیم است. (نهج‌البلاغه، کلمه ۱۷۰)

بنا به شرح علامه جعفری در آن هنگام که بشر بتواند با قرآن ببیند و با قرآن سخن بگوید در آن روز بشر خواهد توانست همه زندگی خود را تجسیم‌کننده قانون بسازد، و بعبارت دیگر در آن روز گفتار و کردار، نیت، خودداری و اقدامش در هر موقعیتی، همه و همه تجلی‌گاه قوانین خواهد گشت و تدریجاً به آن درجه خواهد رسید که اگر از گفتار و کردار ... او قضیه‌ای بسازد و آن را بشکل کلی درآورند، خود قانون خواهد بود (علامه جعفری، ۱۳۸۶: ج ۲۳: ۲۵۱).

هم از این روست که امام (ع) در نامه ۵۳ خطاب به کارگزاران دولت امر می‌کند «با دانشمندان، فراوان گفتگو، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته زندگی مردم بدان استوار بود» (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه).

در حکمت ۱۰۱ نهج‌البلاغه، امام علی (ع) بر ضرورت شتاب در برآوردن نیازهای مردم تأکید می‌کند و آن را منوط به پیش‌بینی و برنامه‌ریزی می‌داند. این نگاه در واقع به حکمرانی خوب و توسعه پایدار پیوند می‌خورد، زیرا حکمرانی مطلوب تنها زمانی تحقق می‌یابد که نیازهای جامعه به‌موقع شناسایی و پاسخ داده شوند. در چارچوب بانک جهانی نیز شاخص‌های حکمرانی خوب دقیقاً بر همین ابعاد تمرکز دارند؛ شاخص کارایی و اثربخشی دولت بر توانایی نظام سیاسی در طراحی و اجرای سیاست‌های مناسب برای پاسخ به نیازهای عمومی تأکید

می‌کند، شاخص پاسخ‌گویی بر ضرورت توجه به مطالبات مردم و واکنش سریع به آن‌ها دلالت دارد، و شاخص کیفیت قوانین و مقررات بر پیش‌بینی و تنظیم قواعدی که زمینه‌ساز رفع نیازها و رفاه اجتماعی باشند تأکید می‌ورزد. همچنین، شاخص کنترل فساد به‌طور غیرمستقیم با این مضمون مرتبط است، زیرا تنها در شرایط شفافیت و سلامت اداری است که منابع به‌درستی تخصیص یافته و نیازهای مردم به‌موقع برآورده می‌شوند. بنابراین، مضمون حکمت ۱۰۱ نهج‌البلاغه با شاخص‌های بانک جهانی هم‌پوشانی دارد: در هر دو رویکرد، حکمرانی خوب وابسته به شناسایی نیازها، برنامه‌ریزی دقیق، و اقدام سریع و کارآمد برای پاسخ به آن‌هاست؛ با این تفاوت که در نهج‌البلاغه این فرایند در چارچوب الهی و اخلاقی معنا می‌یابد لیکن در تعریف بانک جهانی در چارچوب سکولار و نهادی بدون اعتنا به ابعاد معنوی و اخلاقی مساله لحاظ می‌شوند.

مدل تحلیلی-تلخیصی از شاخصه‌های اصلی حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی و شیعه؛ رویکرد مقایسه‌ای		
	شاخص‌های حکمرانی خوب (بانک جهانی)	شاخصه‌ها و مولفه‌ها در نهج‌البلاغه
۱	حاکمیت نظم و قانون	اصلاح بین مردم از نماز و روزه برتر است (خطبه ۱۵۸)؛ از میان حقوق خداوند بزرگترین حقی را که فرض شمرده است حق والی و زمامدار بر رعیت و حق رعیت بر والی و حاکم است (خطبه ۲۱۶).
۲	ثبات سیاسی و عدم خشونت	امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما مسلط می‌شوند (خطبه ۱۵۸، در مجموع ۷ بار از عبارت امر به معروف و ... در نهج‌البلاغه یاد شده است)، آنگاه که رعیت بر والی خویش چیره گردد و یار رئیس حکومت بر رعایا اجحاف نماید نظام بر هم می‌خورد (خطبه ۲۱۶).

۲	اثربخشی دولت	تعهد و توانایی را ملاک مسئولیت‌سپاری قرار دادن (خطبه ۲۰۶، حکمت ۲۰۲)، وظیفه دولت: گردآوری مالیاتها، نبرد با دشمنان، بهبود زندگی شهروندان و آبادانی شهرها (نامه ۵۳)، هرگز بن مردم نگو مأمورم و معذور، خود بزرگ بینی دل را فاسد، دین را پژمرده و دولت را منحط می‌سازد (نامه ۵۳)
۴	تقد عمومی و پاسخگویی	مدام مرا ستایش نکنید (خطبه ۲۱۶)، رعایت حق کسی که او حقش را محترم نمی‌شمارد نوعی بردگی است (حکمت ۱۶۴). از گفتن حق یا رأی زدن به عدل باز نایستید، زیرا من بزرگتر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم (خطبه ۲۱۶). «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته»
۵	کنترل فساد	رعیت هرگز اصلاح نمی‌شود جز با اصلاح شدن والیان و زمامداران و زمامداران اصلاح نمی‌گردند جز با رویه بودن رعایا (خطبه ۲۱۶). در عدالت گشایش است و آن که عدالت برای وی سخت باشد، ستم برای او سخت‌تر خواهد بود (خطبه ۱۵) خطبه شقشقیه، درباره نحوه بیعت مردم (خطبه ۱۲۷)
۶	تنظیم مقررات	ب‌رآوردن نیازهای مردم است در همان روز که احتیاجات گزارش می‌شود (نامه ۵۳)، ب‌رآوردن نیازهای مردم است در همان روز که احتیاجات گزارش می‌شود [توسعه پایدار] (حکمت ۱۰۱)، الفقیر الموت الاکبر- فقر، بزرگترین مرگهست (حکمت ۱۶۳)، تجدید نظر در نظام قدیم درآمد و توزیع جامعه و ایجاد ترتیبات مدیریتی جدید برای بازتوزیع ثروت (حکمت ۱۰۱، ۱۶۳)، افزایش نشست‌های دولت با حکیمان و نظرخواهی در کلر و صلاح امت و مملکت (نامه ۵۳).

### نتیجه‌گیری

بانک جهانی حکمرانی خوب را به‌مثابه سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که مسئول اعمال اقتدار مشروع در یک کشورند. در این تعریف، شکل حکومت یا ایدئولوژی حاکم ذکر نمی‌شود و تنها شاخص‌های عینی مانند پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد به‌عنوان عوامل اصلی توسعه معرفی شده‌اند. این رویکرد نشان می‌دهد که حکمرانی خوب در نگاه بانک جهانی بیشتر بر کارکردها و نتایج ملموس

متمرکز است تا مبانی هنجاری. بنابراین، ادعای اینکه این شاخص‌ها ابزار استعمار برای سلطه بر کشورهای ضعیف‌تر بوده‌اند، متناقض‌نماست؛ زیرا چنین مولفه‌هایی در ذات خود به بهبود کارآمدی و رفاه عمومی اشاره دارند.

در نهج‌البلاغه، حکومت وظیفه‌ای الهی است و حاکم مکلف به رعایت حقوق مردم در ابعاد مادی و معنوی است. امام علی(ع) در خطبه ۳۰ پذیرش حکومت را پیمانی الهی برای گرفتن حق مظلوم از ظالم می‌داند. این نگاه نشان می‌دهد که مشروعیت حکومت در اندیشه علوی نه بر قدرت یا منفعت، بلکه بر عدالت و تکلیف الهی استوار است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که امام علی(ع) قرن‌ها پیش از طرح شاخص‌های بانک جهانی، تمامی مولفه‌های حکمرانی خوب را نه در سطح نظری بلکه در عمل اجرا کرده است؛ هرچند کوتاهی دوران حکومت ایشان مانع تثبیت زیرساخت‌ها شد، اما سستی پایدار از حکمرانی عادلانه برجای گذاشت.

در تحلیل مقایسه‌ای ملاحظه می‌شود که در اندیشه علوی، تقوا و نظارت درونی کافی نیست و مکانیسم‌های بیرونی مانند نظارت بر کارگزاران، قضاوت و اجرای حکم ضرورت دارد. این امر با شاخص‌های بانک جهانی هم‌پوشانی دارد، زیرا پاسخ‌گویی و کنترل فساد نیز نیازمند سازوکارهای بیرونی است. امام علی(ع) امنیت را شرط بنیادین حکومت می‌داند: «شر البلاد بلد لا امن فیه». بی‌ثباتی و خشونت سیاسی در نگاه ایشان نتیجه مستقیم بی‌عدالتی است؛ مشابه شاخص ثبات سیاسی و نبود خشونت در چارچوب نظرگاه‌های بانک جهانی.

در باب پاسخ‌گویی، سیره امام علی(ع) شامل گزارش‌دهی به مردم، نقدپذیری، حسابرسی کارگزاران و آمادگی برای پرسشگری است. این موارد با شاخص پاسخ‌گویی و شفافیت در حکمرانی خوب هم‌راستا هستند. همچنین، عدالت توزیعی در اندیشه علوی جایگاه ویژه دارد؛ توزیع عادلانه منابع بر اساس نیاز اقشار جامعه، مفهومی است که در فلسفه سیاسی باستان

سابقه‌ای ندارد و در نهج‌البلاغه به‌عنوان رکن حکومت مطرح شده است. این مضمون با شاخص اثربخشی دولت و کیفیت قوانین در بانک جهانی قابل تطبیق است، زیرا هر دو بر کارآمدی در تأمین نیازهای عمومی تأکید دارند.

امام علی(ع) نسبت به عملکرد اقتصادی حساس بود و بر عدالت در فعالیت‌های اقتصادی و انتخاب کارگزاران شایسته تأکید داشت. این نگاه با شاخص کارایی دولت و شایسته‌سالاری در حکمرانی خوب هم‌پوشانی دارد. در زمینه تنظیم مقررات نیز، حضرت(ع) بر پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای جامعه تأکید می‌کند. حکمت ۱۰۱ و ۱۶۳ نشان می‌دهد که شتاب در برآوردن نیازها و ریشه‌کنی فقر نیازمند تدابیر عملی و مقررات دقیق است؛ این امر با شاخص کیفیت قوانین و مقررات در بانک جهانی متناظر است.

در جمع‌بندی، مقایسه نهج‌البلاغه و شاخص‌های بانک جهانی بیانگر آن است که هر دو بر کارکردهای عینی حکومت تأکید دارند، اما تفاوت در مبانی مشروعیت و اهداف است. در نگاه بانک جهانی، حکمرانی خوب ابزاری برای توسعه و رفاه سکولار و در اندیشه امیرالمونین(ع)، هدف تعالی معنوی و اجرای عدالت الهی است؛ در واقع، ابزارها و شاخص‌ها مشابه اما مقصدها متفاوت‌اند. روی هم‌رفته ملاحظه شد که حکمرانی علوی می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای بازخوانی شاخص‌های جهانی در چارچوبی بومی و ارزشی و تعامل جهانی باشد

## فهرست منابع

فارسی

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، <https://lib.eshia.ir/۱۵۳۳۵>، تاریخ آخرین دسترسی، ۲۰۲۵/۳/۱.
- ابن عساکر، علی بن الحسن، (۱۴۱۲ق). تاریخ دمشق الکبیر، تحقیق ابی عبداللّه علی عاشور الجنوبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- آمدی، ابوالفتح، (۱۳۶۶). شرح فارسی غرر و درر آمدی، ترجمه آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، هفت جلد، تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
- ثواقب، جهانبخش، (۱۳۸۰). امام علی (ع) کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات، حکومت اسلامی، زمستان، شماره ۲۲- ۳۱- ISC، صص. ۱۴۷ تا ۱۷۷).
- جریر طبری، محمد، (۱۳۹۴). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۶ جلد تهران: اساطیر.
- جعفری تیریزی، محمد تقی، (۱۳۸۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۲۷ جلد تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سید رضی، (۱۳۹۸). نهج البلاغه امام علی (ع)، ترجمه محمد دشتی، قم: کتاب جمکران.
- شاه آبادی، ابوالفضل؛ جامه بزرگی، آمنه، (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، تابستان - شماره ۲، (از ۱ تا ۱۸).
- فیوضات، ابراهیم، تسلیمی تهرانی، رضا و دادگر، علی. (۱۳۸۸). گاندی، عدم خشونت و جنبش‌های اجتماعی. مجله جامعه شناسی ایران، ۱۰(۳)، ۱۴۱-۱۶۰.
- مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۷). جانشینی حضرت محمد (ص)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- المازندرانی، الشیخ محمد صالح، (۱۳۸۲). شرح الکافی، ۱۲ ج، الناشر: المكتبة الإسلامية.
- [lib.eshia.ir/۸۶۷۹۱](http://lib.eshia.ir/۸۶۷۹۱)، آخرین دسترسی: ۲۰۲۵/۱۴/۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴). مواظظ امامان علیهم السلام. ج هفدهم. ترجمه موسی خسروی. تهران: انتشارات اسلامیة.
- ناصری، عبدالمجید، (۱۳۸۱). نظارت در حکومت علوی، مجله معرفت، فروردین، شماره ۵۲.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۷۱). الیعقوبی، آیتی، محمدابراهیم (مترجم) ۲ جلد، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- انگلیسی

Asian Development Bank (۱۹۹۵). Governance: Sound Economic Management. Manila: Asian Development Bank.

- <https://www.adb.org/sites/default/files/institutional-document/۳۲۰۲۷/govpolicy.pdf> (last accessed ۳/۴/۲۰۲۰).
- European Commission (۲۰۰۱). 'European Governance: A White Paper. Brussels, ۲۰ July. [http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/site/en/com/۲۰۰۱/com۲۰۰۱\\_۰۴۲۸en۰۱.pdf](http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/site/en/com/۲۰۰۱/com۲۰۰۱_۰۴۲۸en۰۱.pdf) (last accessed ۲۷ july ۲۰۲۰).
- [https://ec.europa.eu/commission/presscorner/api/files/document/print/en/doc\\_۰۱\\_۱۰/DOC\\_۰۱\\_۱۰\\_EN.pdf](https://ec.europa.eu/commission/presscorner/api/files/document/print/en/doc_۰۱_۱۰/DOC_۰۱_۱۰_EN.pdf)
- Graham, J., Plumptre, T. W., & Amos, B. (۲۰۰۳). Principles for good governance in the ۲۱st century (Vol. ۱۰, p. ۶). Ottawa: Institute on governance.
- Gupta R. K., Awasthy R. (۲۰۲۱). Qualitative research in management: Methods and experiences. In Gupta R. K., Awasthy R. (Eds.), (1st ed.). Sage Publications India Pvt, Ltd.
- Holmberg, S., B. Rothstein, and N. Nasiritousi. (۲۰۰۹). "Quality of Government: What You Get." Annual Review of Political Science, ۱۲:۱۳۵-۶۱.
- International Monetary Fund (IMF) (۱۹۹۷). 'Good Governance: The IMF's Role'. Washington, DC: IMF.
- International Monetary Fund (IMF) (۱۹۹۷). 'Good Governance: The IMF's Role'. Washington, DC: IMF. <https://www.imf.org/expr/govern/governPDF> (last accessed ۳/۴/۲۰۲۰).
- Kaufmann, I., Martin, G., Friedlein, A., Langen, H., & Keller, W. (۲۰۰۴). Human Fip<sup>1</sup> is a subunit of CPSF that binds to U-rich RNA elements and stimulates poly (A) polymerase. The EMBO journal, ۲۳(۳), ۶۱۶-۶۲۶.
- Kotkin, Stephen & Sajó, András (۲۰۰۲). Political Corruption in Transition: A Skeptic's Handbook, Budapest: Central European University.
- Leidner D., University, University L. (۲۰۱۸). Review and theory symbiosis: An introspective retrospective. Journal of the Association for Information Systems, ۱۹(۶), ۵۵۲-۵۶۷. <https://doi.org/۱۰.۱۷۷۰۵/۱jais.۰۰۵۰۱>
- Morse J. M. (۲۰۱۶). Qualitative health research: Creating a new discipline. Taylor & Francis Group.
- Namey, E., Guest, G., Thairu, L. & Johnson, L. (۲۰۰۷). "Data Reduction Techniques for Large Qualitative Data Sets", In Guest G. & MacQueen K. M. (Eds.), Handbook for Team-Based Qualitative Research, pp. ۱۳۷-۱۶۱, Publisher: AltaMira Press.

